

دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۹، ش ۲ (پیاپی ۱۹)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷

بینامتنیت مفاهیم تعلیمی قرآن و حدیث در اعلام و مضامین دینی اشعار اخوان ثالث و شاملو

دکتر ابوالقاسم امیراحمدی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

دکتر علی عشقی سردهی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

الهام بادلو

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

چکیده

یکی از روش‌های بررسی متون، مطالعه‌ی بینامتنی آن است؛ یعنی خوانش متن با توجه به متون دیگر و مبتنی بر این اندیشه که متن، نظامی بسته و مستقل نیست و خواسته یا ناخواسته با متون دیگر در ارتباط است. از دیگر سو، پیوند ناگسستنی شاعران ایرانی با آیات و احادیث اهل بیت علیهم السلام، بر مانایی و ماندگاری اشعار آن‌ها افزوده است. از آن جایی که بینامتنیت و به تعبیری نظریه‌ی تعامل متن‌ها، از جمله مباحث مهم و مورد توجه پژوهش‌گران و ناقدین ادبی است و این دستاورد نوین در حوزه‌ی ادبیات، به بررسی وجوه تشابه و تفارق و نیز تأثیرپذیری یک متن از متون دیگر، چه در حوزه‌ی شعر و چه در عرصه‌ی نثر می‌پردازد، این پژوهش بر آن است تا کلام شعری مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو را براساس پیوندشان با آیات قرآنی و روایات مورد نقد و بررسی قرار دهد تا وام‌گیری‌های آگاهانه یا غیرمستقیم شاعران مورد بحث و نیز چگونگی به‌کارگیری آن‌ها در استفاده از آیات و روایات، بر همگان آشکار گردد. شیوه‌ی انجام پژوهش نیز بر این گونه است که اشعار اخوان ثالث و شاملو براساس روش تحلیلی توصیفی و نیز از دیدگاه نظریه‌پردازان بینامتنی مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌است تا سوای نشان دادن ساختار منسجم ابیات، مخاطب آگاه گردد که ایشان با چه ترفندهای ادبی‌ای، این مضامین و حیانی روایی را در اشعارشان گنجانده‌اند و برخلاف باور برخی از منتقدین، سخن خویش را رنگ‌وبویی قرآنی و دینی بخشیده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، احادیث و روایات، بینامتنیت، اخوان ثالث، شاملو

Email: amirahmadi@iaus.ac.ir

eshghi@iaus.ac.ir

badloo.elham@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۲/۱۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۲۴

۱- مقدمه

بینامتنیت و نقد بینامتنی از جمله مباحث مهم نقد ادبی است که در عرصه‌های مختلف ادبی راه پیدا کرده و پژوهش‌ها و آثار ارزشمندی را به خود اختصاص داده‌است. نظریه‌پردازان مختلف هریک از منظری به این مفهوم نگریسته و آن را در نقد متون مختلف به‌کار گرفته‌اند (نک. روضاتیان و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۰). بینامتنیت با هدف کشف نشانه‌ها و آثار مثبت متون دیگر بر یک متن در پی این است که روابط موجود میان متن حاضر و متون دیگر را به عنوان متن غایب مورد مطالعه و بررسی قرار داده و به تعاملات گوناگون ادبی، زبانی و فرهنگی بپردازد (نک. صلاحی مقدم و امیری، ۱۳۹۲: ۱۲۱۲)، به گونه‌ای که «خواننده را در درک عمیق‌تر و فهم بهتر یک متن یاری رساند» (امانی، نبی‌احمدی و شادمان، ۱۳۹۱: ۸۷). اگر چه بینامتنیت از قدمتی دیرینه برخوردار است، ولی برخی معتقدند نظریه‌ی بینامتنیت از پدیده‌های نوظهور در نقد ادبی معاصر به شمار می‌آید که روابط بین متون را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد و بر اساس آن می‌توان متون مختلف و سروده‌های شاعران را تشریح کرد و نقد نمود. بینامتنیت از رویکردهایی است که در تمامی حوزه‌ها رسوخ کرده و تحولات شگرفی را در آن حوزه‌ها به وجود آورده‌است؛ در حقیقت، روابط و کنش‌ها در بستر متن، بینامتنیت را پدید آورده و هر متنی در حین تولید ناگزیر است که با متن‌های دیگر کنش دو سویه و تعاملی ژرف داشته باشد، زیرا بر اساس نظریه‌ی بینامتنی، متن نوین/ حاضر، برآیند متن قدیم/ غایب است؛ یعنی متون ادبی از تأثیر در زمانی یعنی الهام گرفتن از متون کهن و قبل از خود در امان نبوده‌اند (Vide. Neil, ۱۹۸۷: ۲۳). این گفته، همان نظریه‌ی تعامل متن‌ها است که یکی از مهم‌ترین مباحثی است که مورد توجه پژوهشگران ساختارگرا و پس‌اساختارگرا مانند کریستوا، بارت، ژنت، دریدا و دیگران قرار گرفته‌است. هر متنی به‌شکل فزاینده‌ای از تجربه‌ی شاعر و نویسنده بهره‌می‌برد؛ اقتباس‌های بینامتنی به صورت آگاهانه یا ناخودآگاه به آن اضافه می‌شود. روش کار نگارندگان در این پژوهش، براساس روش‌های موجود در قالب نظریات بینامتنیت است اما تقسیم‌بندی و روش ترکیبی آن، نظر خود ایشان می‌باشد؛ درحقیقت، تلاش شده ضمن استفاده از تجربیات کریستوا، بارت، باختین و ژنت به روشی مناسب در تحلیل بینامتنی اشعار اخوان ثالث و شاملو دست یازند و لازم به ذکر است که اصول بینامتنی در این مقاله، براساس سه عنصر «وام‌گیری، تفسیر و خلاقیت» استوار است. برخلاف آنچه که میان عوام و برخی صاحب‌نظران بیان می‌گردد، احمد شاملو و به‌خصوص مهدی اخوان ثالث همچون بسیاری از شاعران ایرانی از آیات و الفاظ قرآن کریم و داستان انبیاء صرف

تلمیح بهره نبرده‌اند، بلکه کاربرد ایشان گونه‌ای از وام‌گیری بینامتنی با تفسیرهای تازه است.

۱-۱- بیان مسأله:

هر متنی معنایی دارد، کشف و دریافت معنای هر متن تنها از خوانش متن و درک ارتباط و جایگاه آن در میان متون دیگر حاصل می‌شود. در هر متنی مطالب و نکاتی وجود دارد که برای درک و دریافت آن‌ها باید به خوانش متون پیشین پرداخت. بنابراین می‌توان گفت، همواره یک متن دارای معنای مستقل نیست بلکه باید آن را در شبکه‌ای از روابط متنی یافت. نظریه‌پردازان اغلب مدّعی آنند که «در دوره‌ی پسامدرن، دیگر امکان سخن گفتن از اصالت یا یگانگی اثر هنری وجود ندارد زیرا آثار هنری همگی به صورتی بسیار آشکار حاصل خرده‌ها و پاره‌های هنر از پیش موجودند» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۷). ژرار ژنت (۱۳۹۱: ۲۱۹) در کتاب آرایه‌ها (۱) در این باره می‌نویسد: «معنای یک اثر از خلال سلسله‌ای از عملیات ذهنی حاصل نمی‌شود، بلکه از نو تجربه و تکرار می‌شود»؛ در این نوع نگاه ژنت، گویا منظور از تجربه و تکرار تازه، همان تفسیرهای تازه است. در جای دیگر همین کتاب می‌خوانیم: «ادبیات مجموعه‌ای منسجم است، فضایی همگن که در درونش، آثار هم‌دیگر را لمس و در هم نفوذ می‌کنند؛ خود ادبیات هم به نوبه‌ی خود قطعه‌ای است متصل به قطعات دیگر در فضای گسترده‌تر فرهنگ که ارزش خاص آن، نتیجه‌ی ارزش کل مجموعه است» (همان: ۲۲۸)؛ بنابراین، در کل تاریخ ادبیات و نه تنها به ادبیات فارسی، بلکه به ادبیات ملل، باید به صورت یک کل و یک مجموعه نگاه کرد که هر جز این مجموعه، بر دیگر اجزای مجموعه تأثیر می‌گذارد. در حقیقت بررسی تأثیر و تأثر آثار بر یکدیگر، از مهم‌ترین اهداف پژوهشگران بینامتنیت است. در بررسی متون باید دید که نویسنده یا شاعر ادامه‌ی کدام سنت ادبی - معرفتی است و او آن سنت خاص را چگونه بیان می‌کند؟ همین جاست که بحث بینامتنیت به عنوان یک نظریه‌ی متن‌شناختی، به منظور درک و دریافت بهتر متن، مطرح می‌شود.

۱-۲- ضرورت و اهمیت پژوهش:

پیوند ناگسستنی و دوسویه‌ی متون فرهنگی و ادبی امری طبیعی است و هیچ متنی نمی‌تواند آزاد از دیگر متون، فراهم آید؛ نظریه‌پردازان روابط متون، نیز بر این اندیشه‌اند که متون ادبی به شیوه‌های گوناگون، اندام‌وار با متون پیش از خود در ارتباطند و شناخت و تفسیر این متون جز با کشف انواع روابط موجود در آن‌ها امکان‌پذیر نیست. این مقاله بر آن است تا با معرفی اجمالی نظریه‌ی بینامتنیت به عنوان چارچوب نظری پژوهش، به بررسی بینامتنیت اعلام و مضامین دینی در شعر مهدی اخوان ثالث و احمد شاملو بپردازد و از آن جایی که تاکنون پیرامون این موضوع، پژوهش مستقلی که جوانب گوناگون بحث

را روشن نماید، صورت نگرفته‌است، مقاله‌ی پیش‌رو بر این مهم، همت گمارده است.
۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش:

نگارندگان بر این عقیده‌اند که اگر چه در زمینه‌ی نظریه‌ی بینامتنیت و نیز جنبه‌های مختلف آثار احمد شاملو و مهدی اخوان ثالث در مقوله‌های گوناگون، تحقیقات بسیاری انجام گرفته، اما با توجه به اهمیت مبانی نظری پژوهش، به دلیل فروانی کتاب‌ها، پایان‌نامه و مقالات درخصوص دو شاعر مورد بحث، تنها به یادکرد آثاری پیرامون مقوله‌ی بینامتنیت اکتفا می‌گردد؛ از جمله‌ی مهم‌ترین این پژوهش‌هاست: آلن، گراهام (۱۳۸۰) بینامتنیت، ترجمه‌ی پیام یزدانجو؛ نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۰). درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها؛ سید محمدرضی مصطفوی‌نیا (گردآورنده/ ۱۳۹۳) مجموعه‌ی مقالات همایش ملی بینامتنیت؛ نامورمطلق، بهمن (۱۳۸۶) «ترامتنیت؛ مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها»، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی؛ یداللهی اصلان، ابوالفضل و مهناز مقبلی (۱۳۹۳). «تبیین رابطه‌ی بینامتنیت با دیگر فنون بلاغی»، مجموعه‌ی مقالات همایش ملی بینامتنیت؛ ویکلی، کریستین (۱۳۸۴). «وابستگی متون، تعامل متون»، ترجمه‌ی طاهر آدینه‌پور، پژوهشنامه‌ی ادبیات و نوجوان؛ موسوی، سیدرضا و راضیه رفیعی (۱۳۹۱). «بینامتنیت کلام الهی در خطبه‌های نهج‌البلاغه»، مجموعه مقاله‌های همایش نهج‌البلاغه و ادبیات؛ کیانی، رضا و همکاران (۱۳۹۲). «جلوه‌های بینامتنی قرآن کریم در شعر قیصر امین‌پور»، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی پژوهش‌های ادبی- قرآنی؛ قنبری، علی و رضا عبدالمالکی (۱۳۹۱). «مفهوم بینامتنیت در منابع بلاغت فارسی»، پژوهش‌های نقد ادبی و سبک. اما پژوهشی که از دیدگاه بینامتنیت، اعلام و مضامین دینی به کار رفته در اشعار اخوان ثالث و شاملو را مورد بررسی قرار دهد، اهمیتی نشان داده نشده‌است.

۲- بحث و بررسی

امروزه بینامتنیت اصطلاحی رایج در نظریه‌ی ادبی و زبان‌شناسی متن است؛ در واقع، این واژه «اصطلاحی است که بر اختلاط و درهم آمیختگی دلالت دارد و از یک تأثیرپذیری پویا خبر می‌دهد که با متن هم ارتباط دارد» (ایمانیان، ۱۳۹۳: ۵۵۶/۱). بینامتنیت از طریق ارتباط میان متنی، موجب آفرینش متن جدید شده و هر متن ادبی را به منزله‌ی جذب و دگرگون‌سازی دیگر متون گوناگون گذشته و یا هم‌زمان با آن می‌داند.
۱-۲- تعریف بینامتنیت و نگاه ریشه‌شناختی به آن:

بینامتنیت در نقد معاصر ایران، ترجمه‌ی اصطلاح فرانسوی «intertext» است (نک. العانی، ۱۹۹۹: ۲۵۳؛ الرباعی، ۲۰۰۹: ۲۰۳). کلمه‌ی «inter» در زبان فرانسه به معنی

«تبادل و تعامل» و نیز کلمه‌ی «text» به معنای «متن» است و اصل آن از فعل لاتینی «textere» مشتق شده‌است؛ بدین ترتیب، مفهوم لغوی این اصطلاح «تبادل متنی» می‌باشد (نک. امانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۶). برخی از صاحب‌نظران نیز معنای اصلی بینامتنیت را از «interweaving» به معنی «درهم‌بافتن» دانسته و معتقدند «این اصطلاح در این حوزه‌ها و به‌طورساده ناظر بر شکل‌یافتن هر مفهوم از مؤلفه‌ی متنی متعدّد است» (صافیان و غیاثوند، ۱۳۹۰: ۱۱) که در زبان فارسی به «بینامتنیت»، «بینامتنی»، «میان متنی» و نیز در زبان عربی به «التّناس» ترجمه شده‌است. این منظور نیز لفظ «نص» را به معنی ارائه کردن و عرضه کردن تعریف نموده‌است: «النصّ: رفعُک الشیء». نصّ الحدیثُ یُنصّ نصّاً: رفعه و کلّ ما قد أظهر فقد نصّ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۶۲/۲). رابطه‌ی بینامتنی اصطلاحی است که تقریباً از اواسط قرن ۲۰ میلادی به‌عنوان یک اصطلاح فنی و ادبی نزد ادبا و هنرمندان غرب مطرح گردید (نک. شرتج، ۲۰۰۵: ۱۶۷). این اصطلاح نخستین بار در اواخر دهه‌ی شصت میلادی توسط ژولیا کریستوا (Julia kristeva) بلغاری‌الاصل در فرانسه مطرح شد (نک. صباغی و رنجبران، ۱۳۹۴: ۲۲۹؛ حیاتی، ۱۳۸۸: ۷۷). وی با شرح و بسط «گفتگومندی متن» (Dialogism) باختین که آن را در دهه‌ی ۱۹۳۰ م. معرفی کرده‌بود، به رابطه‌ی ضروری هر پاره‌گفتاری با پاره‌های دیگر اشاره نمود (نک. کریستوا، ۱۳۸۱: ۴۴)، چرا که میخائیل باختین نیز بر این باور بود که «هر متنی متشکل از به هم پیوستگی چند متن است که در اصل نوعی بازخوانی از متن گذشته‌است» (لوشن، ۱۴۲۴: ۱۰۲۲). ژولیا کریستوا نظریه‌ی بینامتنیت را به مفهوم نهایی و کامل خود در کتاب انقلاب زبان شعر به صورت مبسوط و گسترده بیان نمود و به بررسی تطبیقی بینامتنیت پرداخت. وی عقیده داشت متنی عاری و منفصل از دیگر متون وجود ندارد، بلکه متون همواره در ارتباط و گفتگو با یکدیگر می‌باشند، هر چند خود به آن اشاره‌ای نداشته باشند (به نقل از: پین، ۱۳۸۰: ۲۹). به عقیده‌ی هارولد بلوم نیز «هنرمند متأخر همیشه در اضطراب تأثیرپذیری از هنرمند پیشین است که مبدا کارش به کپی‌برداری محض تبدیل شود» (سخنور و سبزیان، ۱۳۸۷: ۷۳) و دیگر بار اینکه گرچه بینامتنیت با اسم ژولیا کریستوا پیوند عمیق خورده و در بحث‌های متعدّدی در دو مجله‌ی Tel-quel و critique ظهور یافته است (نک. انجینو، ۱۹۸۷: ۱۰۱)، ولی ریشه‌ی عمیق و نیز آبشخور اصلی آن در اندیشه‌های «فردینان دو سوسور» و دیگر کسانی هم چون «میخائیل باختین» و «رولان بارت» شکل گرفت (نک. مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲) و شامل سلسله‌ای از روابط متن‌ها با متون دیگر از طریق گفتگو یا تداخل یا امتصاص است. آن‌ها معتقد بودند «یک متن، جایگشت متون و بینامتنی در فضای

یک متن مفروض است که در آن گفته‌های متعدّد برگرفته از دیگر متون، با هم مصادف شده و یکدیگر را خنثی می‌کنند و هر متنی، دگرگون‌شده‌ی متن دیگر است» (آلن، ۱۳۸۰: ۳۰).

۲-۲-۲-۲-۲-۲ ارکان بینامتنیّت:

مفهوم بینامتنی از گستره‌ی بزرگ و پهنه‌ی وسیعی برخوردار است که مرزهای بین متون را به کناری نهاده و متون را با یکدیگر در یک تعامل بی‌کران و غیرمحدود قرار می‌دهد. «متن در حقیقت، بافت کلماتی است که اثر را ساخته و آرایش داده‌است» (Barthes, ۲۰۰۰: ۳۱). در روابط بینامتنی، ایجاد رابطه‌ای اثربخش میان متن پیش‌نوشته و متن موجود، در ذهن برای تولید متن جدید به وضوح دیده می‌شود؛ البته «آن دسته از روابط بین متونی اهمیت دارد که موجب آفرینش متن جدید می‌شود» (میرزایی و شیخی قلات، ۱۳۹۲: ۴۳). با توجه به آنچه که پیش از این آمد، پس وقتی با یک متن روبه‌رو می‌شویم، نباید چنین تصوّر کرد که ما با یک متن واحد سروکار داریم، بلکه متن را در درون یک متن بزرگ‌تر مطالعه می‌کنیم؛ مهم‌ترین عامل در ایجاد این روابط بینامتنی، همان رابطه‌ی میان دو متن است که وجود این رابطه‌ها، سبب معناداربودن یک متن می‌شود و یک متن جدید را زاییده‌ی متون قدیم یا معاصر آن متن به‌شمار می‌آورد (نک. مختاری و شانقی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). حضور متن غایب در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به عنوان قواعد سه‌گانه‌ی بینامتنی یاد کرده‌اند. حسین جمعه ناقد عربی در کتاب المسبار فی التّقد الادبی بینامتنی را دارای سه رکن اصلی می‌داند:

۲-۲-۲-۱-۲-۲-۲ متن حاضر:

از آن به متن لاحق یا متن موجود نیز تعبیر می‌شود و متن غایب باعث تولید آن به عنوان متن اصلی شده‌است به گونه‌ای که متن حاضر، اصل موجودیّت خود را مدیون متن نهانی و غایب می‌داند (نک. جمعه، ۲۰۰۳: ۱۶۸)؛

۲-۲-۲-۲-۲-۲ متن غایب:

متن سابق یا متن مفقود نیز نامیده می‌شود. متن و متون ارجاعی که متن اصلی را تفسیر می‌کند، «متن غایب» نامیده می‌شود. لیچه در تبیین و تشریح متن غایب ضمن اعتقاد به این که تمامی متون از رابطه‌ی بینامتنی و تداخل نصوص برخوردارند، تأکید می‌کند، که متن یک ذات و ماده‌ای واحد نیست، بلکه گستره‌ای دامنه‌دار از روابط با دیگر متون است و مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و ارجاعاتی بی‌شمار محسوب می‌گردد که به صورت خودآگاه و ناخودآگاه بروز می‌نماید (به نقل از: ماضی، ۲۰۰۵: ۱۷۵). متون پنهان به مثابه‌ی کلیدهایی است که با آن درهای بسته‌ی متن جدید باز می‌شود؛

۲-۲-۳- روابط بینامتنی یا عملیات بینامتنی:

نحوه‌ی تعامل متن حاضر و متن غایب و چگونگی ارتباط آن‌ها را بازگو می‌کند. یکی از راه‌هایی که می‌توان به لایه‌های درونی یک اثر نفوذ کرد، یافتن روابط بینامتنی است. عملیات بینامتنی همان بررسی متن اصلی با توجه به متن غایب و ردیابی روابط بین آن‌هاست (میرزایی و واحدی، ۱۳۸۸: ۳۰۸) که مهم‌ترین بخش نظریه‌ی بینامتنی در تفسیر متون است. در حالت‌های مختلف بینامتنیتی، گاهی مؤلف جزئی از متن غایب را بدون هیچ تغییری در متن خود می‌آورد و گاهی هم متن پنهان را با تغییراتی در متن حاضر می‌گنجانند؛ در پاره‌ای از موارد نیز مؤلف متن پنهان را بازآفرینی می‌کند، به گونه‌ای که آن را در معنایی متفاوت با معنای متن غایب مورد استفاده قرار می‌دهد. در قسمت بحث و بررسی، هر یک از صورت‌های مذکور بر اساس آرا و نظریات ناقدین و محققین در اندیشه‌ی شعری اخوان ثالث و احمد شاملو، مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۳- تحلیل متن:

علم نقد همواره در ادبیات از ارزش و اهمیت بالایی برخوردار بوده و به عنوان روشی برای ارزش‌گذاری آثار ادبی از دیرباز مورد توجه قرار گرفته‌است. اصطلاح بینامتنیت منحصر به آثار ادبی و نوشتاری نیست؛ بینامتنیت توسط منتقدان قالب‌های هنری غیرادبی نظیر نقاشی، موسیقی و معماری اخذ شده‌است. مفهومی چون بینامتنیت می‌تواند نظریاتی درباره‌ی بخشی از جامعه یا یک دوره‌ی تاریخی را مطرح کند (نک. آلن، ۱۳۸۰: ۱۶). طبق نظریه‌ی بینامتنی، هر متن بینامتن است؛ یعنی از درهم‌تنیدگی متون گوناگون ساخته شده‌است که این متون می‌تواند قرآن کریم، اسطوره، متون ادبی، تاریخی و غیره باشد. در این بخش از پژوهش، نخست به ارائه‌ی شاهد مثال‌هایی از آثار اخوان ثالث و شاملو به‌عنوان «متن حاضر» مبادرت ورزیده می‌شود و در ادامه آیاتی از قرآن کریم، احادیث و روایاتی که شاعران مورد نظر در کلام‌شان به آن‌ها نگاه ویژه داشته‌اند، به عنوان «متن غایب» ذکر می‌گردند. در ادامه و در قالب «عملیات بینامتنی»، گونه‌های مختلف تأثیرپذیری شرح داده می‌شود. در تعریف بینامتنیت موضوعی گفته‌اند: «هرگاه شخص مبدع یا شاعر از اسامی پیامبران، بزرگان، اولیا، حوادث تاریخ اسلامی و دینی در آثار و اشعار خود ذکر نماید، بینامتنیت موضوعی گفته می‌شود» (امامی، ۱۳۹۳: ۳۲۸/۱).

۲-۳-۱- عالم برزخ، بهشت و جهنم:

متن حاضر

وه که جهنم نیز/ چندان که پای فریب در میانه باشد/ زمزمه‌اش ناخوشایندتر از زمزمهٔ بهشت نیست (شاملو، ۱۳۷۶: ۳۳)؛

حضورت بهشتی‌ست/ که گریز از جهنم را توجیه می‌کند (شاملو، ۱۳۷۹: ۷۴)؛
 مثل آن بود که در دوزخی از داغ‌ترین آتش خون/ یا که در دریاچه‌ای از سرخ‌ترین/
 خون آتش، نه در آن دود بسی/ غوطه‌شان داده کسی (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۵۱)؛
 دوزخ، اما سرد/ گیتی، بیمار و بیگانه/ عمر شیرینت گوارا باد/ نوش بادت این شراب
 خانگی در بزم کاشانه (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۹۲)؛

متن غایب

لَهُمْ دَارُالْسَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ: برای آنان، نزد پروردگارشان
 سرای عافیت است، و به [آپاداشی] آنچه انجام می‌دادند، او یارشان خواهدبود (انعام/۱۲۷)؛
 جَنَّةُ الْمَأْوَى: عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى: که آرامگاه بهشت نزد آن درخت است (نجم/۱۵).
 عملیات بینامتنی

بهشت یا دارالسلام، جنت عدن، جنة‌المأوی سرای سلامتی است که میعادگاه
 وعده داده شده‌ای است برای آنان که تقوا پیشه کنند و خدا را اطاعت نمایند.
 در قرآن کریم یکی از مهم‌ترین داستان‌هایی که درخصوص بهشت و رابطه‌ی آن با حضرت
 آدم مطرح است، رانده شدن ایشان و همسرش حوا به خاطر خوردن از میوه‌ی ممنوعه است.
 در این کتاب نورانی داستان حضرت آدم و حوا به طرز بدیعی به تصویر کشیده شده‌است
 که غرق در رحمت الهی بودند و با اغوای شیطان فرجامی جز بیرون رفتن از بهشت نیافتند.
 بهشت برزخی تا روز قیامت ادامه خواهد یافت، ولی بهشت ابدی در آیات و روایات بیشتر به نام
 (جنة‌المأوی) یاد می‌شود که این بهشت جاویدان دیگر بعد از قیامت است، زیرا در روز قیامت
 به اعمال انسان‌ها رسیدگی می‌شود و صالحان به جنة‌المأوی برده خواهند شد تا ابدی گردند.
 فردوس، مینو، بهشت و جنت که در زبان فارسی خوانده می‌شود و در زبان عربی
 «جُلَد، دارالسلام، یسری و اسامی دیگری از این قبیل و...» جایگاهی است که خداوند
 نیکوکارانی را وعده داده و در آن مأوا، مخلص و جاویدان می‌مانند آن‌هم غرق در انعام
 الهی. راجع به جنة‌الخلد در موسوعة‌القرآن آمده بستانی بود که آدم ابوالبشر و حوا در
 آن سکنی داشتند و در آن میوه‌ها و ریاحین به وفور بود، انهار در آن جریان و سیلان
 داشت: «أَنَّ جَنَّةَ عَدْنٍ شَرْقًا أَعَدَّاللَّهُ فِي الْأَرْضِ لِسَكْنَى آدَمَ وَ زَوْجَتَهُ وَ جَعَلَهَا كَالْبُسْتَانِ
 وَ أَنْبَتَ فِيهَا الشَّجَرِ الْمُثْمِرِ وَ الزَّهْوَ الطَّيْبَةَ وَ أَجْرَى فِيهَا الْمَاءَ» (الحفنی، ۲۰۰۴: ۸۴۷/۱).
 دیگر شعرا درباره‌ی این بهشت موعود می‌گویند:

تا بیابی در بهشت عدن جای شفقتی بنمای با خلق خدای

(عطار، ۱۳۷۳: ۱۰۹)

ای که می‌خواهی بهشت در دنیا به نقد
عاشقی کن خویشتن را جنۃ‌المأوا ببین
(فیض کاشانی، ۱۳۵۴: ۳۰۹)
با بهشت عدن ما را کار نیست
کوی جانان روضه‌ی رضوان ماست
(نور علیشاه اصفهانی، ۱۳۴۹: ۳۷)

۲-۳-۲- حضرت آدم و حضرت حوّا (هبوط، سجده، طینت، اشرف مخلوقات):

متن حاضر
اینک من! آدمی! پادشاه زمین! (شاملو، ۱۳۷۶: ۵۲)؛
کفران نعمت شد* و دستان توهین‌شده آدمی را لعنت کردند چرا که مقام ایشان بر
سینه نبود به بندگی و تباهی آغاز یافت (شاملو، ۱۳۷۶: ۵۴)؛
زیستن/ و ولایتِ والایِ انسان بر خاک را/ نماز بردن؛ زیستن و معجزه کردن (شاملو،
۱۳۷۹: ۴۳)؛
یکی بشنو این نعره‌ی خشم را/ برای که بر پا نگه‌داشتی؟/ زمینی چنین بی‌حیا چشم
را؟ (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۱۷)؛
راه بود و راه "این هر جائی افتاده" این همزاد پای آدم خاکی (اخوان ثالث، ۱۳۶۹:
۲۱۱).

متن غایب
فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَ قُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ
وَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَ مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ: پس شیطان آن دو را به خطا واداشت، و
از بهشتی که در آن بودند بیرون راند. گفتیم: پایین روید، برخی دشمن برخی
دیگر، و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد» (بقره/۳۶)؛
فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ: فرشتگان همگی سجده کردند (بقره/۳۰)؛
فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَّتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ:
آن‌گاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن
برگهای بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت (طه/۱۲۱)؛
عملیات بینامتنی

واژه‌ی آدم در قرآن کریم ۲۰ مرتبه تکرار شده‌است. مکر و حیل‌های شیطان برای از راه
به‌در کردن آدم و حوّا، بر سر شجره‌ی منهیه بود. متن حاضر در ردیف بینامتنیت موضوعی
قرآنی است و بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت الیافی، می‌توان آن را جزء بینامتنیت آشکار دانست.

ملک در سجده آدم زمین بوس تو نیت کرد

که در حُسن تو لطفی دید بیش از حدّ انسانی
(حافظ، ۱۳۶۲: ۹۴۶)

هنگامی که خداوند تبارک و تعالی آدم ابوالبشر را آفرید و فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ بقره/۳۰» سپس فرمان سجده بر او را صادر نمود: «وَ إِذْ قُلْنَا رَبِّكَ لِلْمَلَائِكَةِ السَّجْدُوا لَأَدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ؛ بقره/۳۴» وی سر از چنبره‌ی اطاعت الهی بیرون برآورد و گفت: أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْنِي مِنْ نَارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ و عصیان‌گری نمود. اما فرشتگان الهی فرمان حق را پذیرفته و آدم ابوالبشر را سجده نمود. از ماجرای قرآنی سجده کردن فرشتگان بر آدم نیز چنین در ادب فارسی یاد شده‌است: گر نه ظهور تو بود مقصد از آدم سجده نبودی قبول قالب طین را (حزین لاهیجی، ۱۳۸۷: ۳۳۱)

این چنین حسن و لطافت که تو داری تا حشر

سجده بر آدم و حوا به طین باید کرد
(فروغی، ۱۳۸۶: ۵۹)

همچنین ادب فارسی از گناه آدم ابوالبشر این‌گونه یاد می‌کند:

وان بنی آدم که عصیان کشته اند از حسودی نیز شیطان گشته‌اند
(مولوی، ۱۳۷۵: ۷۸۲/۵)

ادب فارسی هم از چگونگی خلقت آدمی و نیز مخمّر کردن طینت وی چنین سخن به میان آورده‌اند:

کز برای پخته گشتن کرد آدم را اله در چهل صبح الهی طینت پاکش خمیر
(سنایی، ۱۳۸۸: ۲۸۶)

به کمال رسیدن آدمی و نیز به عشق سرشته کردن این طینت، هدف غایی و نهایی خلقت آدمی است.

۲-۳-۳- شیطان رجیم (اهریمن و ابلیس):

متن حاضر

نا بَرَدَم گاهگاه وسوسه با خویش / کای دله دل! چشم از این گناه فرو پوش، / یاد گناهان دلپذیر گذشته بانگ برآرد که: آی، شیطان! خاموش (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۷۵)؛ در ظلماتی که شیطان و خدا جلوه یک‌سان دارند / دیگر آن فریاد عبث را مکرر نمی‌کنم (شاملو، ۱۳۷۶: ۳۴)؛

اما نه خدا و نه شیطان / سرنوشت تو را / بتی رقم زد که دیگران / می‌پرستیدند

(شاملو، ۱۳۷۳: ۳۶)؛

او اهرمنی ستمگر و خیره‌ست/ او دشمن روشنی‌ست؛ او دزدی/ بر گستره قلمروش
چیره‌ست (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۷۵)؛

متن غایب

فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ: و چون قرآن بخوانی، از شیطان رجیم به خدا پناه
ببر (نحل/ ۹۸)؛

عملیات بینامتنی

نام شیطان در مآخذ دینی مسلمانان در بدایت امر در قرآن کریم آمده است و آن هم در داستان خلقت آدم ابوالبشر. طبق اقوال روایی، شیطان ابتدا در زمره‌ی فرشتگان بود و چون از امر حضرت اله مبنی بر سجده‌نمودن، سر باز زد از درگاه ربوبی رانده و مطرود شد. ابلیس به خاطر چنین امر قسم خورد که جز عبادالله‌المخلصین باقی‌ماندگان را اغوا و گمراه نماید. این استکبار، سبب شد که میان شیطان و درک حقایق حجابی، برقرار گردد، تا آنجا که خود را برتر از آدم بیندارد و بگوید: من از او بهترم، مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای و حتی این سرکشی و غرور سبب شد که به فرمان خدا نیز اعتراض کند، اعتراضی که مایه کفر و طرد او گردد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۰/۱۱).
شعرای دیگر به این رجیم بودن شیطان در اشعار خویش این‌گونه اشاره می‌کنند:
گرچه شیطان رجیم از راه انصافم ببرد
همچنان امید می‌دارم به رحمن و رحیم
(سعدی، ۱۳۷۴: ۱۰۹)

می‌کند ثابت به برهان‌های قاطع تیغ تو کاو شهاب ثاقب است و خصم شیطان
رجیم (ساوجی، ۱۳۸۲: ۱۵۵)

متن حاضر جزء بینامتنیت موضوعی است و بر اساس نظریه‌ی بینامتنی ناقدین نسل، می‌توان آن را در ردیف بینامتنیت نسل دوم جای داد. «آدم» سوای از نسل بشر و انسان‌ها، ایهام به حضرت آدم (ابوالبشر) دارد به قرینه‌ی «صرفه‌نبردن از شیطان رجیم»، یعنی؛ فریب‌خوردن او از شیطان (نک. فرید، ۱۳۷۶: ۴۸۸).
۲-۳-۴- جبر و اختیار (جایگاه تسلیم در برابر قضا و قدر):

متن حاضر

ماجرای زندگی آیا/ جز مشقت‌های شوقی توأمان باز جر/ اختیارش هم‌عنان با جبر/ بسترش بر
بعد فرار و مه‌آلود زمان لغزان/ در فضای کشف پوچ ماجراها چیست؟ (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۶۹)؛
آمدن از روی حسابی نبود و رفتن/ از روی اختیاری (شاملو، ۱۳۷۶: ۲۸)؛
او چو می‌آمد به این دنیا (نه، این حق نیست/ چون می‌آوردند او را یا بگو: آورده

می‌شد) هیچ‌کس گفتش جا چنین تنگ است و روزی تنگ؟/ کز برای سیری این بی‌هنر
انبان، مشّت را باید کند چون گرز (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۵۱ و ۵۲).

متن غایب

لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا: نمی‌رسد ما را مگر آنچه خداوند بر ما نوشته‌است (توبه/۵۵)؛
نِعَمَ الْقَرِينِ الرَّضَى: بهترین هم‌نشین رضا و تسلیم است (هاشمی خویی، ۱۴۰۰: ۲۱/۱۰).

عملیات بینامتنی

یکی از مقامات بسیار رفیع اخلاقی و عرفانی مقام رضایت است؛ راضی بودن به آنچه خدا
می‌خواهد. از منظر احادیث و روایات وارده از ناحیه‌ی حضرات معصومین "علیهم‌السلام" رضای
الهی رأس طاعات و عبادات خوانده شده و هم چنین کسی که راضی به رضا و قضای خدا
باشد، صاحب مقام بسیار بلندی شده‌است که دنیا و آخرت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در
میان مردم شاخص می‌گردد. کلینی با یک سلسله سند از حضرت صادق "علیه‌السلام" نقل
کرده، که فرمود: «رَأْسُ طَاعَةِ اللَّهِ الصَّبْرُ وَالرَّضَا عَنْ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ الْعَبْدُ أَوْ كَرِهَ وَلَا يَرْضَى عَبْدٌ
عَنِ اللَّهِ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهُ فِيمَا أَحَبَّ أَوْ كَرِهَ: رأس بندگی و اطاعت خدا صبر و
رضایت از خدا است، در چیزی که بنده آن را بخواهد یا نخواهد. بعد فرمود: هیچ بنده‌ای در
مقام مکروهات و سختی‌ها صبر نمی‌کند، مگر آنکه خیرش در آنست» (مخبر، ۱۳۷۵: ۷۹).
در شعر کهن فارسی در مورد رضای الهی اشعار زیبایی سروده شده‌است. سعدی و

خواجوی کرمانی در این باب گفته‌اند:

دهان خصم و زبان حسود نتوان بست رضای دوست به دست آر و دیگران بگذار
(سعدی، ۱۳۷۴: ۲۴)

هر آن نماز که کردی به کنج صومعه خواجو

رضای دوست به دست آر و نه جمله قضا کن

(خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱: ۶۵۰)

امیرعلیشیرنواپی در قصیده‌ی شینیه‌ی «نسیم‌الخلدش» عقیده دارد که رضای دوست این
است که آدمی به هرچه تقدیر الهی پیش می‌آورد، تن داده و دیگر به فکر خسران و یانفع خویش نباشد:
رضای دوست جستن آن بود کت هرچه پیش آید

شوی راضی و از تقدیر دانی سود و نقصانش

(نواپی، ۱۳۷۵: ۳۲۹)

متن حاضر از دیدگاه بینامتنیّت موضوعی، قرآنی و نیز بر اساس نظریه‌ی بینامتنی

ژرار ژنت، غیر صریح است.

۲-۳-۵- حضرت عیسی مسیح (ع) (معجزات و داستان‌های ایشان):

متن حاضر

تو نسجت بافته عیسی چنان، مریم چنین رشته / خمیرت در شعور برتر آغشته - / دو همتای تویی همتا، خدائی یا خدا چه، خواجه یا راجا/ ببین، آنجا! (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۱۰۰)؛
نز بتان یاری، مه از می ساغری، نزنزان لبی
ای فلک بشناس، ما عیسی بن مریم نیستیم! (اخوان ثالث، ۲۵۳۶: ۱۹۱)
ریشه‌ی درد را در جان عیساهاى اندوهگین مان به فریاد آورده است (شاملو، ۱۳۷۶: ۲۹).
مسخی است دردناک / که مسیح را / شمشیر به کف می گذارد / در کوچه‌های شایعه / تا به دفاع از عصمت مادر خویش برخیزد (شاملو، ۱۳۷۶: ۴۴).

مسیحای جوانمردمن! ای ترسای پیر پیرهن چرکین! / هوا بس ناجوانمردانه سردست... آری... / دمت گرم و سرت خوش باد! / سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای! (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۱۱۲).

متن غایب

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَ آتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَ فَلَکُمْ جَاءَکُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُکُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ: وَ هَمَانَا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم، و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم، و او را با «روح القدس» تأیید کردیم پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید (بقره/۸۷).

عملیات بینامتنی

حضرت عیسی روح الله ملقب به مسیح که در ۶۲۲ سال قبل از هجرت متولد شده و در ردیف پیامبران اولوالعزم قرار دارد. این پیامبر الهی دارای معجزات بود: «از جمله ساختن شکل مرغی از گل و دمیدن در آن و مرغ شدن آن، شفا دادن کور مادرزاد و برص زده و زنده کردن مرده و خبر دادن از آنچه مردم می‌خورند و یا در خانه‌های خود ذخیره می‌کردند، به اذن خداوند» (حریری، ۱۳۸۴: ۲۷۶). طبق برخی روایات آن جناب در زمان ظهور حضرت امام مهدی علیه السلام به این جهان باز می‌گردد و در نماز به ایشان اقتدا می‌نماید و پیروان خود را به قبول اسلام و قبول ولایت حضرت مهدی علیه السلام وامی‌دارد (نک. طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۶؛ ۱۳۲؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳/۱۴۵).

امام خمینی (ره) نیز چنین مسیح را عامل فناشدن هستی و حیات دانسته است:

بنده‌ی عشق مسیحا دم آن دلدارم که به یمن قدمش هستی من دود نمود

(امام خمینی، ۱۳۷۳: ۱۱۴)

با توجه به اسم عیسی مسیح می‌توان متن مذکور را در زمره‌ی بینامتنیت موضوعی قرآنی و نیز بینامتنیت خوانش (دریافت) بارت و ریفاتری دانست.

۲-۳-۶- حضرت مریم (س):

متن حاضر

اما تو بی شک عجیبی! / مریم‌تر از مریم، آن زن که زائید طفل خدا را / پاکی تو، پاک و بزرگ و نجیبی (اخوان ثالث، ۱۳۵۴: ۳۹).

که اکنون هر زن / مریمی است / هر مریم را عیسائی بر صلیب است (شاملو، ۱۳۷۶: ۱۰۷).

متن غایب

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ: ای اهل کتاب، در دین خود غلو مکنید، و در باره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگویید [خدا] سه‌گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است (نساء / ۱۷۱).

عملیات بینامتنی

مریم نام سوره‌ی از قرآن کریم است که در آن به سرگذشت حضرت مریم و نیز انبیای الهی هم چون حضرت زکریا، حضرت مسیح، حضرت یحیی، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت اسماعیل، حضرت ادریس و بعضی دیگر از پیامبران بزرگ الهی پرداخته است. حضرت مریم زنی است پارسا که قرآن کریم به پاکی او شهادت داده است. نام شریف آن بانوی الهی ۳۴ بار در کلام الله مجید مذکور می‌باشد. در قرآن در چندین مورد، حضرت عیسی پسر مریم خوانده شده (و هم‌چنین آن حضرت بدون پدر شناخته شده) و به باکره‌بودن مریم (در سوره مریم ۲۰؛ سوره تحریم ۱۲) اشاره شده که به تولد مسیح بشارت داده شده است (آل عمران - ۴۰).

اینک نمونه ابیاتی از دیگر شعرا در مورد حضرت مریم:

عیسی مریم از تو گر باز گردد این دم / این مرده زنده کردن در دم نباشد او را
(اوحدی، ۱۳۷۶: ۱۱۲)

انفاس روح می‌دمد از باد صبحدم / گویی که بوی عیسی مریم گرفته است
(خواجوی کرمانی، ۱۳۹۱: ۵۷۲)

طبق آیه‌ی قرآن، از دیدگاه موضوع، این مضامین را جزء بینامتنیت قرآنی و بر اساس نظریه‌ی بینامتنیت کریستوا و بارت، می‌توان آن را جزء بینامتنیت دریافت دانست.

۲-۳-۷- رستاخیز ابدی و هنگامه‌ی مرگ:

متن حاضر

زنهار، خواب غفلت و بیچارگی بس است / هنگام کوشش است اگر چشم وا کنی / «تا کی
بانتظار قیامت توان نشست / برخیز تا هزار قیامت بپا کنی» (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۳۹)؛
اگرچه حالیا دیریست کان بی کاروان کولی / ازین دشت غبارآلود کوچیده‌ست / و
طرف دامن از این خاک دامن گیر برچیده‌ست؛ هنوز از خویش پرسم گاه: آه / چه
می‌دیده‌ست آن غمناک روی جادهٔ نمناک؟ (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۵۱)؛
هیچ چیز تکرار نمی‌شود / و همه راه‌ها به پایان می‌رسد: / پروانه بر شکوفه‌ئی نشست / و
رود به دریا پیوست (شاملو، ۱۳۷۶: ۵۱)؛
مرگ من سفری نیست / هجرتیست از سرزمینی که دوست نمی‌داشتم / به خاطر
نامردمانش (شاملو، ۱۳۷۶: ۵۶).

متن غایب

فَاللّٰهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ: پس خداوند، روز
رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می‌کردند، میان آنان داوری خواهد کرد (بقره/۱۱۳).
وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ: و برای هر امتی اجلی
است پس چون اجلشان فرارسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش (اعراف/۳۴).
عملیات بینامتنی

قیامت همان روز رستاخیزی است که در آن مردگان زنده می‌شوند و هر کسی پاداش
اعمال خود را که در این جهان انجام داده، به وجه اتم و اکمل می‌بیند. حضرت محمد
ابن عبدالله "صلی الله علیه و آله و سلم" فرمود: «در قیامت بنده‌ای دست از پا خطا
نکند تا این‌که درباره‌ی چهار چیز از او بپرسند: از عمرش در چه راهی گذرانده؟ و از
جوانیش که چگونه به سر برده؟ و از مالش که از کجا به دست آورده؟ و در چه راه آن را
هزینه ساخته و از دوستی خاندان من و از آن حضرت رسیده که خداوند همه‌ی خلائق
را حسابرسی نماید جز مشرک که بی‌حساب به دوزخ رود. از امیر المؤمنین سؤال شد:
با کثرت جمعیت قیامت چگونه خداوند به حسابشان می‌رسد؟ فرمود همچنان که به
روزی آن‌ها می‌رسد. گفتند: با وجود این‌که آن‌ها او را نمی‌بینند چگونه آنان را حساب
می‌کند؟ فرمود: چنان‌که روزی آنها را می‌دهد و او را نمی‌بینند» (حریری، ۱۳۸۴: ۱۲۷).
نوایی از قیامت این گونه یاد می‌کنند:

از رفتن یارم بود آشوب قیامت
یا رب مبرش جایی و دارش به سلامت
(نوایی، ۱۳۷۵: ۱۰۹)

متن حاضر، از دیدگاه موضوعی، قرآنی و نیز بر طبق نظریه‌ی لوران ژنی، جزء بینامتنیت جزئی است.

دین مبین اسلام بارها در آیات و روایات انسان را به یاد مرگ فرا می‌خواند و در هر جا موقعیتی دست می‌دهد، آنان را به یاد دیار باقی و شتافتن به سوی آن دعوت می‌کند. واژه‌ی «موت» در قرآن کریم به همراه مشتقاتش حدود ۱۶۹ مرتبه تکرار شده‌است. در قرآن کریم بارها از فرارسیدن مرگ و پایان پذیرفت زندگی آدمی سخن گفته‌است: «كُتِبَ عَلَيْكُم إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأَدِثَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ: بر شما نوشته شده: «هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر چیز خوبی [مالی] از خود به جای‌گذارده، برای پدر و مادر و نزدیکان، به طور شایسته وصیت کنند! این حقی است بر پرهیزکاران!» (بقره/۱۸۰). راجع به چیستی مرگ از امام باقر "علیه السلام" روایت شده‌است: «قيل لعلی بن الحسین "عليه السلام" "ما الموت؟" قال: «للمؤمن كنز ثياب و سخة و فك قيود و اغلال ثقيله»: به حضرت سجاد "علیه السلام" گفته شد: مرگ چیست؟ امام "علیه السلام" در جواب فرمود: مرگ برای افراد با ایمان مانند کندن لباس چرکین و گشودن قید و زنجیرهای سنگین است» (فلسفی، ۱۳۷۹: ۱۷۳/۳). شعرای ادب فارسی از جمله نظامی اذعان به این امر داشته که کسی در این دنیای فانی بدون اجل نمرده‌است:

مثل زد که هر کس که او زاد مُرد ز چنگ اجل هیچ کس جان نبرد
(نظامی، ۱۳۷۷: ۱۱۵۷)

امام حسین "علیه السلام" در بیتی دیگر تصریح کرده‌اند که مقیم دنیا در آن ماندگار نیست و به ناچار باید از آن کوچ نماید:

و قاطنُهَا سَرِيعُ الظَّنِّ عَنْهَا وَإِنْ كَانَ الْحَرِیْضُ عَلَى الثَّوَاءِ
و مقیم کوی دنیا، ناگزیر است که زود از آن، کوچ کند اگر چه بر ماندن، حریص باشد
(جیلانی، ۱۴۲۹: ۳۱۸/۲).

بیت متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، قرآنی و نیز بر اساس نظریه‌ی بینامتنی العانی تقدیری است.

۲-۳-۸- امیدواری به رحمت واسعه‌ی حق:

متن حاضر

شب که می‌اید چراغی هست؟/ من نمی‌گویم بهاران، شاخه‌ای گل در یکی گلدان/ یا
چو ابر اندهان بارید، دل شد تیره و لبریز/ ز آشنائی غمگسار آنجا سراغی هست (اخوان
ثالث، ۱۳۶۹: ۸)؛

تو شروع از از هفت کن، بعدش چهل بعد از چهل، هفتاد/ بعد هم تا هفتصد، نومید شیطان است! (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۱۵)؛

در مرز نگاه من/ از هر سو/ دیوارها/ بلند/ دیوارها/ چون نومیدی/ بلندست (شاملو، ۱۳۷۶: ۱۷)؛

من همه‌ی خدایان را لعنت کرده‌ام/ همچنان که مرا/ خدایان/ و در زندانی که از آن امید گریز نیست/ بداندیشانه/ بی گناه بوده‌ام! (شاملو، ۱۳۷۱: ۱۰۵).

متن غایب

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا: از بخشایش خدا نومید مباشید که خدا همه گناهان را می بخشد (زمر/ ۵۳).

عملیات بینامتنی

قرآن کریم ناامیدی از رحمت خداوند نشانه‌ی کفر و گمراهی محض خوانده شده و این صفت مذموم مورد نکوهش شدید قرار گرفته است: «وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ؟» کیست جز گمراهان که از رحمت پروردگار خویش نومید گردند؟ (حجر/ ۵۶). اگر نظری به احادیث هم بیندازیم، خواهیم دید که سفارش اکید حضرات معصومین "علیهم السلام" مبنی بر امید بستن به رحمت خداوندی است. وجود مقدس امام باقر "علیه السلام" چنین می فرماید: "می خواهید فقیه (عالم دینی) راستین را به شما معرفی کنم؟ او کسی است که مردمان را از رحمت خدا نومید، و از عذاب خدا ایمن و مطمئن نمی سازد، و از بخشندگی خدا مأیوسشان نمی کند، و پرداختن به نافرمانی و معصیت را برایشان روان نمی دارد" (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴۷۱/۲). در ادب فارسی کهن از ناامیدی از درگاه خداوند چنین دم زده اند:

چونکه لا تقنطوا رسید نوید
مشو از رحمت خدا نومید

(شاه نعمت الله، ۱۳۸۲: ۲۲)

یکی را لن ترانی برده از دست

(صفای اصفهانی، ۱۳۳۷: ۲۹۶)

بیت متن حاضر از دیدگاه موضوع بینامتنی، قرآنی است و بر طبق نظریه‌ی بینامتنی لوران ژنی، بینامتنیت قوی است.

۲-۳-۹- ظلم و ستمگری (توأمان همراهی شب و سیاهی و تباهی):

متن حاضر

با خشم و جدل زیستم/ و به هنگامی که قاضیان/ اثبات آن را که در عدالت ایشان شایبه‌ای اشتباه نیست/ انسانیت را محکوم می کردند/ و امیران/ نمایش قدرت را/ شمشیر بر گردن محکوم می زدند (شاملو، ۱۳۸۴: ۳۸)؛

«هنگام رسیده بود؟» می‌پرسیم/ و آن جنگل هول هم چنان پابرجا/ شب می‌ترسیم و روز می‌ترسیم (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۸۴)؛

دگرره شب آمد تاجهانی سیاکند/ جهانی سیاهی بادلم تاجها کند (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۸۸)؛
برده گان عالی جاه را دیده‌ام من/ در کاخ‌های بلند/ که قلاده‌های زرین به گردن داشته‌اند/ و
آزاده مرم را/ در جامه‌های مرقع/ که سرودگویان/ پیاده به مقتل می‌رفته‌اند (شاملو، ۱۳۸۴: ۸۰).
متن غایب

حضرت محمد ابن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ: پادشاهی ممکن است با کفر تداوم یابد ولی ممکن نیست با ستم پایدار نمی‌ماند» (شعیری، ۱۴۰۵: ۱۱۹).

عملیات بینامتنی

در قرآن کریم رذیله‌ی اخلاقی ستمگری و ظلم به مظلوم را بسیار نکوهش کرده و حتی در آیه‌ی ۷۵ سوره نساء نیز به صراحت حمایت از مظلومان را تکلیفی الهی بر عهده‌ی مؤمنان برمی‌شمارد و در آیاتی از جمله همین آیه و نیز آیات ۱۳ تا ۱۵ سوره‌ی ابراهیم و ۳۹ و ۶۰ سوره‌ی حج از دفاع و حمایت خود از جبهه‌ی مظلومان در برابر متجاوزان و سرکشان سخن به میان می‌آورد تا نشان دهد که یاری مظلومان در حقیقت قرارگرفتن در صف خداجوینی است که در جبهه‌ی حق به خاطر مظلوم علیه ظالم می‌جنگند. احادیث از حضرت محمد ابن عبدالله -صلی الله علیه و آله و سلم- چنین آمده‌است: «هرکس مسلمانی را بی‌دلیل آزار دهد، گناهش چون کسی است که ده بارخانه کعبه و بیت‌المأمر را خراب کرده و هزار فرشته راکشته باشد» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۴۹۹/۱).
متن حاضر از دیدگاه بینامتنیت موضوعی، حدیثی و نیز بر طبق نظریه‌ی بینامتنی عزام، غیرآگاهانه است.

۲-۳-۱۰ منجی موعود؛ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فی فرجه الشریف):

متن حاضر

تو مگر نشنیده‌ای که خواهد آمد روز بهروزی/ - «روز شیرینی که با ما آشتی باشد»-/
آن چنان روزی که در وی نشنود گوش و نبیند چشم/ ز گل افشان طرب، گل‌بانگ پیروزی
(اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۳۴)؛

راه/ همان و از راه ماندن/ همان/ تا چون به لفظ «سوار» رسی/ مخاطب پندارد
نجات‌دهنده‌ئی در راه است (شاملو، ۱۳۷۹: ۶۵)؛

باز می‌گویند: فردای دگر/ صبر کن تا دیگری پیدا شود/ نادری پیدا نخواهد شد، امید!/ کاشکی اسکندری پیدا شود (اخوان ثالث، ۱۳۷۰: ۲۵)؛

شبست/ شبی بی‌رجم و روح آسوده، اما با سحر نزدیک/ نمی‌گرید دگر در دخمه
سقف پیر (اخوان ثالث، ۱۳۴۸: ۹۹)؛

اگر مهدی‌ست یا سوشینت یا عیسی/ و یا هر دیگر و دیگر/ خدای من دگر بفرست/
یکی‌شان را از آن دیگر طلب فهرست (اخوان ثالث، ۱۳۹۳: ۹۰).

متن غایب

امام صادق "علیه السلام": فَأَمَّا الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا فَهُوَ الْمَهْدِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ... (مجلسی، ۱۳۸۰: ۲۴۵/۱۰) وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي: قائم ما کسی است که دنیا را پر از عدل می‌کند پس او مهدی پسر امام حسن عسکری "علیه السلام" است و اگر ایام او را درک کنم هرآینه خدمتگزار او می‌شدم (ابن ابی زینب، ۱۳۹۷: ۲۴۵).

عملیات بینامتنی

حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فی فرجه‌الشریف، عصاره‌ی خلقت و بقیه‌الله و نور نبوت و امامت است. در تفاسیر منسوب به حضرت معصومین "علیهم السلام" آیاتی وجود دارد که اشاره به آن امام همام دارد. روایت بی‌شماری هم هست که دوران ایشان و نیز ظهور را روشن‌گری می‌نماید. نمونه آیاتی که راجع به ایشان اهل بیت "علیهم السلام" به تفسیر و تبیین پرداخته‌اند، به قرار ذیل است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ، لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ: اوست که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گردانند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند» (توبه/۳۳) و یا «وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ: ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث قرار دهیم» (قصص/۵). در تفسیر علی بن ابراهیم در تفسیر آیه‌ی: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...» آمده‌است: «پدرم از حسن بن علی بن فضال از صالح بن عقبه از امام صادق "علیه السلام" نقل کرده که فرمود: این آیه در شأن قائم آل محمد "علیهم السلام" نازل شده‌است. اوست همان مضطری که هر گاه در مقام، دو رکعت نماز بگزارد و خدا را بخواند، خداوند دعای او را مستجاب می‌کند و بدی‌ها را بر طرف می‌سازد و او را روی زمین جانشین قرار می‌دهد» (صابری و انصاری، ۱۳۷۵: ۲۰۹). حضرت محمد ابن عبدالله "صلی الله علیه و آله و سلم" راجع به ایشان فرموده‌اند: «الْأئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوَّلَهُمْ عَلِيٌّ وَ رَابِعُهُمْ عَلِيٌّ وَ ثَامِنُهُمْ عَلِيٌّ وَ عَاشِرُهُمْ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ الْمَهْدِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امامان پس از من دوازده نفرند. اولین و چهارمین و هشتمین و دهمین آنان علی و آخرین‌شان مهدی است» (همان: ۲۰۶). سیمایش مانند ستاره درخشان است» (همان: همان). حال با این اوصاف شعرای شیعی و یا مسلمان که بهره‌ای از اسلام داشته، از این منجی موعود در اشعارشان نام برده‌اند:

مهدی جهانی تو که دجال حوادث از حال به حالی شده وز خوی به خویی
(انوری، ۱۳۷۳: ۵۰۳)
گر مخالف خواهی ای مهدی درآ از آسمان ور موافق خواهی ای دجال یک ره سر برآر
(سنایی، ۱۳۸۸: ۱۸۲)

۳- نتیجه‌گیری

قرآن کریم و نیز احادیث نورانی اهل بیت - علیهم السلام- به‌عنوان یک اثر ارزنده و عالی هنری - ادبی، تأثیر شگرفی بر آثار ادیبان متعهد جهان به ویژه شعرای مسلمان گذاشت، به طوری که شعرا با ابیاتی که حول محور قرآن و حدیث می‌چرخید، آموزه‌های اخلاقی- تربیتی را به گوش مخاطبان خویش می‌رساندند و آثار خود را مشحون از واژگان، ترکیبات، عبارات و نیز مضامین وحیانی-روایی می‌کردند؛ - ناقدین ادبی زیادی از دیدگاه بینامتنیت به بررسی ارتباط متون و تعامل آن‌ها نیز با هم می‌پردازند. امروزه ما با یک بینامتنیت سروکار نداریم، بلکه با شمار زیادی از بینامتنیت‌ها روبه‌رو هستیم که اگر از دریچه‌ی هریک از آن‌ها به اثر یا آثاری نگریسته شود و نیز تعامل آن با دیگر متون سنجیده شود، می‌تواند در بردارنده‌ی نتایج ارزنده‌ای باشد؛ - از آن جایی که اخوان ثالث و شاملو در اشعارشان از اقتباس‌ها و مضمون‌های ظاهری و مستقیم برای وام‌گیری از قرآن و روایات استفاده کرده‌اند، می‌توان بر اساس بینامتنیت الیافی، حجم وسیعی از آثار آن‌ها را جزء بینامتنیت آشکار دانست؛ - از آن جایی که بینامتنیت دریافت با خوانش مطرح می‌شود و بدون وجود خواننده اساساً بینامتنیتی هم وجود نخواهد داشت، می‌توان اذعان داشت که اعظمی از اشعار قرآنی- حدیثی اخوان ثالث و شاملو را بینامتنیت دریافت تشکیل می‌دادند؛ این حقیقت فقط از دیدگاه نقد ادبی خواننده‌محور می‌تواند برای مخاطبان اشعار ایشان حاصل گردد؛ - همچنین بر طبق نظریات بینامتنی، کلام شعری قرآنی - حدیثی اخوان و شاملو بیش از همه دارای بینامتنیت صریح، بینامتنیت قوی (یعنی بهره‌گیری روایی- قرآنی از واژگانی که دارای بار معنایی و مفهومی بالایی باشند) و بینامتنیت مضمونی (یعنی شاعر معانی موردنظر خود را به‌طور آگاهانه و با تاکتیکی خاص از متن غایب [قرآن- حدیث] گرفته و در اشعار خود [متن حاضر] به کار برده‌است)، می‌باشد.

منابع

۱- قرآن کریم. (۱۳۹۲) ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند، تهران: هلیا.

- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). **لسان العرب**، دوره ی ۱۵ جلدی، بیروت: دار الصادر.
- ۳- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۴۸). **زمستان**. چاپ سوم. تهران: مروارید.
- ۴- ----- (۱۳۵۴). **من این پائیز، در زندان**. چاپ دوم. تهران: توس.
- ۵- ----- (۱۳۵۷). **زندگی می گوید: اما باید زیست، باید زیست**، **باید زیست! تهران: توکا**.
- ۶- ----- (۱۳۶۹). **از این اوستا**. چاپ هشتم. تهران: مروارید.
- ۷- ----- (۱۳۷۰). **آخر شاهنامه**. چاپ دهم. تهران: مروارید.
- ۸- ----- (۱۳۹۳). **سال دیگر، ای دوست، ای همسایه**. تهران: زمستان.
- ۹- ----- (۲۵۳۶). **ارغنون**. چاپ چهارم. تهران: مروارید.
- ۱۰- ----- (۱۳۵۷). **دوزخ اما سرد**. تهران: توکا.
- ۱۱- آلن، گراهام. (۱۳۸۰). **بینامتنیت**، ترجمه ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز.
- ۱۲- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۷۳). **دیوان امام**، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه.
- ۱۳- امامی، زهره. (۱۳۹۳). **بررسی بینامتنیت قرآنی در اشعار دیک الجن الحمصی**، مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت، جلد اول، به کوشش سیدمحمد رضی مصطفوی نیا، قم: پویشگر.
- ۱۴- امانی، رضا؛ محمدنبی احمدی و یسرا شادمان. (۱۳۹۲). «بررسی چگونگی ارتباط قرآن و شعر جاهلی با رویکرد بینامتنیت»، فصلنامه ی مطالعات ادبی - قرآنی. دانشکده ی اصول دین قم، س ۱، ش ۱، صص ۷۳-۹۳.
- ۱۵- انجینو، مارک. (۱۹۸۷). **فی أصول الخطاب النقدي الجديد**، ترجمه ی احمد المدینی، چاپ دوم، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
- ۱۶- انوری، علی ابن محمد. (۱۳۷۳). **دیوان انوری**، به اهتمام محمدتقی رضوی، چاپ سوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۱۷- اوحدی مراغه ای، اوحالدّین. (۱۳۷۶). **دیوان کامل اوحدی مراغه ای**، با مقدمه ی ناصر ظهیری، به تصحیح امیر احمد اشرفی، چاپ دوم، تهران: پیشرو.
- ۱۸- ایمانیان، میثم و حسین ایمانیان. (۱۳۹۳). «تناس قرآنی در زاهدانه های دوره ی اندلس»، مجموعه مقالات همایش ملی بینامتنیت، جلد اول، به کوشش سیدمحمد رضی مصطفوی نیا، قم: پویشگر.

- ۱۹- بابا افضل کاشانی، حکیم افضل‌الدین. (۱۳۶۳). **رباعیات بابا افضل**، به کوشش سعید نفیسی، تهران: فارابی.
- ۲۰- پین، مایکل. (۱۳۸۰). **لاکان، دریدا، کریستوا**، ترجمه‌ی پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز.
- ۲۱- جمعه، حسین. (۲۰۰۳). **المسبار فی النقد الادبی، الطبعة الاولى**، دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- ۲۲- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). **دیوان حافظ با شرح کامل**، تهران: طایفه.
- ۲۳- حریری، محمدیوسف. (۱۳۸۴). **فرهنگ اصطلاحات قرآنی**، چاپ دوم، قم: هجرت.
- ۲۴- حزین لاهیجی، محمدعلی ابن ابی‌طالب. (۱۳۸۷). **دیوان اشعار**، به تصحیح بیژن ترقی، تهران: سنایی.
- ۲۵- حیاتی، حمید. (۱۳۸۸). «بینامتنیت»، ماهنامه‌ی هنری- ادبی گلستانه، سال ۸، ش ۹۰، صص ۸۶-۷۷.
- ۲۶- خواجه‌ی کرمانی، ابوالعطاء کمال‌الدین محمود بن علی. (۱۳۹۱). **دیوان اشعار**، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: سنایی.
- ۲۷- دیلمی، حسن. (۱۴۱۲). **إرشاد القلوب إلى الصواب**، ترجمه‌ی سیدعبدالحسین رضایی، قم: شریف رضی.
- ۲۸- الرباعی، عبدالقادر. (۲۰۰۹ م.). **الصورة الفنية فی النقد الشعری (دراسة فی النظرية و التطبيق)**، الطبعة الاولى، عمان: دار الجریر.
- ۲۹- روضاتیان، مریم و سیدعلی اصغر میرباقری فرد. (۱۳۹۰). «خوانش بینامتنی، دریافت بهتر متون عرفانی»، کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، س ۱۱، ش ۲۳، صص ۱۱۲-۸۹.
- ۳۰- ژنت، ژرار. (۱۳۹۱). **مدخل لجامع النص**، ترجمه‌ی عبدالرحمان ایوب، الطبعة الاولى، بغداد: دارالشؤون الثقافية العامة.
- ۳۱- ساوجی، سلمان. (۱۳۸۲). **کلیات سلمان ساوجی**، به تصحیح عباس علی وفاپی، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۲- سخنور، جلال و سعید سبزیان. (۱۳۸۷). «بینامتنیت در رمان پیترواکروید»، فصلنامه‌ی پژوهشنامه‌ی علوم انسانی دانشکده‌ی شهید بهشتی تهران، ش ۵۸، صص ۷۸-۶۵.
- ۳۳- سعدی، مصلح ابن عبدالله. (۱۳۷۴). **کلیات سعدی**، با مقدمه عباس اقبال آشتیانی،

تهران: اقبال.

۳۴- سنایی، ابوالمجد. (۱۳۸۸). **دیوان سنایی**، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، چاپ هشتم، تهران: سنایی.

۳۵- ----- شاملو، احمد. (۱۳۷۱). **باغ آینه**. چاپ هفتم. تهران: مروارید.

۳۶- ----- (۱۳۷۳). **ابراهیم در آتش**. چاپ هشتم. تهران: زمانه.

۳۷- ----- (۱۳۷۶). **آیدا: درخت و خنجر و خاطره!** چاپ پنجم.

تهران: مروارید.

۳۸- ----- (۱۳۷۹). **حدیث بی‌قراری ماهان**. چاپ دوم. تهران: مازیار.

۳۹- ----- (۱۳۷۹). **مرثیه‌های خاک و شکفتن در مه**. تهران: نگاه.

۴۰- شاه نعمت‌الله ولی، نعمه‌الله. (۱۳۸۲). **دیوان اشعار**، تهران: علمی.

۴۱- شرتج، عصام. (۲۰۰۵). **ظواهر اسلوبیه فی شعر بدوی الجبل**، الطبعة الاولى،

دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.

۴۲- شعیری، تاج الدین. (۱۴۰۵ ق). **جامع الأخبار**، قم: رضی.

۴۳- صابری یزدی، علی‌رضا و محمدرضا انصاری محلاتی. (۱۳۷۵). **الحکم الزاهره**، با

ترجمه‌ی محمد انصاری، قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.

۴۴- صافیان، محمدجواد و مهدی غیاثوند. (۱۳۹۰). «هرمون‌تیک گادامری و تأویل

بینامتنی»، نشریه‌ی ذهن، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، س ۲۲، ش ۴۸، صص ۵۱-۷۸.

۴۵- صباغی، علی و سکیه رنجبران. (۱۳۹۴). «جلوه‌های روابط بینامتنی اشعار محمد

رضا شفیعی کدکنی و عبدالوهاب بیاتی»، نشریه‌ی ادبیات تطبیقی دانشکده‌ی علوم

انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۷، ش ۱۲، صص ۲۴۸-۲۲۷.

۴۶- صفای اصفهانی. (۱۳۳۷). **دیوان اشعار**، به اهتمام سهیلی خوانساری، تهران: اقبال

و شرکاء.

۴۷- العانی، شجاع مسلم. (۱۹۹۹ م). **قراآت فی الأدب و النقد**، الطبعة الاولى،

دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

۴۸- عطار، فریدالدین محمد. (۱۳۷۳). **پند نامه**، به تصحیح سیل وستر وساسی،

ترجمه‌ی ع. روح‌بخشان، تهران: اساطیر.

۴۹- فروغی، عباس. (۱۳۸۶). **دیوان کامل فروغی بسطامی**، مقدمه و شرح حال

پرفسور ادوارد براون و دیگران، به کوشش حسین نخعی، تهران: پارس کتاب.

۵۰- فرید، طاهره. (۱۳۷۶). **ایهامات دیوان حافظ**، تهران: طرح نو.

- ۵۱- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۳۵۴). **کلیات اشعار مولانا فیض کاشانی**، با مقدمه سید محمدعلی صفیر و تصحیح محمد پیمان، تهران: سنایی.
- ۵۲- کاشانی، ملافتح‌الله. (۱۳۳۶). **تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.
- ۵۳- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱). **کلام، مکالمه، رمان**، ترجمه‌ی پیام یزدانجو، تهران: مرکز. لوشن، نورالهدی. (۱۴۲۴ هـ.). «التناص بین التراث و المعاصرة»، مجله‌ی جامعه‌ی أم القرى لعلوم الشریعة و اللغة العربیة و آدابها، ج ۱۵، صص ۱۰۳۴-۱۰۱۹.
- ۵۴- ماضی، شکری عزیز. (۲۰۰۵ م.). **فی نظریة الأدب، الطبعة الاولى**، بیروت: مؤسسه العربیة للدراسات و النشر.
- ۵۵- مجلسی، سید محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۸۰). **بحار الانوار**، قم: نور.
- ۵۶- مختاری، قاسم و غلامرضا شانقی. (۱۳۸۹). «بینامتنی قرآنی و روایی در شعر سید حمیری»، فصلنامه‌ی لسان مبین (پژوهش ادب عربی) قزوین، س ۲، ش ۲، صص ۱۹۷-۲۱۶.
- ۵۷- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۵۸- مکاریک، ایرنا ریما. (۱۳۸۵). **دانش‌نامه‌ی نظریه‌ی ادبی معاصر**، ترجمه‌ی مهران مهاجر و محمد نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.
- ۵۹- مولوی، جلال‌الدین. (۱۳۷۵). **مثنوی**، چاپ دوم، تهران: علمی.
- ۶۰- میرزایی، فرامرز و سربه شیخی قلات. (۱۳۹۲). «انتقال معنا و بینامتنی براساس مدل لپی هالم بررسی موردی ترجمه‌ی اشعار احمد مطر»، فصلنامه‌ی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبایی، س ۳، ش ۷، صص ۴۱-۵۸.
- ۶۱- میرزایی، فرامرز و ماشاءالله واحدی. (۱۳۸۸). «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۱۲، ش ۲۵، صص ۳۰۰-۳۲۲.
- ۶۲- نظامی، الیاس. (۱۳۷۷). **کلیات نظامی**، تهران: امیرکبیر.
- ۶۳- نوایی، امیر علیشیر. (۱۳۷۵). **دیوان امیر علیشیر نوایی**، به همت دکتر رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
- ۶۴- نور علیشاه اصفهانی. (۱۳۴۹). **دیوان اشعار**، به کوشش جواد نوربخش، تهران: فردوسی.

65-Barthes, R. (2000). "The Death of the Author" in David. Lodge & Nigel wood (Eds). *Modern Criticism and Theory*.

Pearson: Essex.

66-Neil, H. (1987). Writings on Art and Literature by Sigmund Freud. Foreword by Stanford University Press.